

## یادس از مشایخ قبرستان کهن کججان

محمد الوانسان خویی

روستای کججان (کرجان) در پانزده کیلومتری جنوب شرقی تبریز قرار دارد. ساکنانش شیعه مذهب و از لحاظ اقتصادی ضعیف و کم درآمدند. قبرستان کهن آن متعلق به سده‌های ششم و هفتم هجری است که در نوع خود بی‌نظیر و میراثی است بر جای مانده از پیشینیان که حرف‌های ناگفتنی زیادی را در خود نهان دارد. عبدالعلی کارنگ که در سال ۱۳۴۹ش از این آرامستان دیدن نموده در وصف آن می‌نویسد:

«برای (توصیف) گورستان کججان، قلمی توانا و بیانی رسا می‌خواهد. در واقع مجموعه‌ای است از نمونه‌های عالی خط و طراحی و مجسمه‌سازی و حجاری، هر جا می‌نگری طرحی است بدیع و هر سو رو می‌کنی نقشی است دل‌انگیز، بدون اغراق هر تماشاگر هنرشناسی را واله و حیران می‌سازد ... مقابر مشایخ همه در دامنه شرقی تپه و تقریباً داخل حظیره‌ای قرار گرفته که سابقاً محوطه خانقاه خواجه محمد کججانی شمرده می‌شد، و اکنون پایه‌های دیوار جنوبی آن باقی و مدخل حظیره، در وسط این پایه مشخص و معین است.

در کمره جنوبی تپه مزبور، قبرهای کهنی از سایر طبقات مردم کججان باقی مانده که پاره‌ای از آنها متعلق به قرن ششم و هفتم است. مثلاً روی سنگ قبر زنی چنین نوشته‌اند: «هذا تربة المرحومة المحتاجة الی رحمة الله، بنت العبد المذنب الراجی ... توفیت فی ... شهر جمادی الاخرة فی سنة اربع و سبعین و ستمائة». روی بعضی از قبور کهن نیز مجسمه قوچ یا شیر نهاده شده است. این مجسمه‌ها عموماً دارای زیبایی مخصوصی هستند. ظرافت طرح و برجستگی عضلات آنها، مهارت و دقت طراح و حجّار را به خوبی ارائه می‌کند»<sup>۱</sup>.

۱. آثار باستانی آذربایجان، ج ۱، ص ۵۹۵.

در حال حاضر بیشتر بخش‌های قبرستان یاد شده، در اثر بی‌توجهی مسئولین مربوطه، به کلی تخریب شده است. قوچ‌های سنگی شکسته شده، سنگ قبرها که از نفاست خاص هنری برخوردار و حاوی اطلاعات مهمی در خصوص صاحبان قبور بودند، از بین رفته و از همه تأسف بارتر اینکه مدفن بسیاری از آن شخصیت‌های علمی و سیاسی به کلی کنده شده و لوح مزارشان در گوشه‌ای از قبرستان روی هم انباشته شده‌اند!

همان طوری که بیان شد، قبرستان کججان، مدفن عده‌ای از بزرگان علم و عمل بوده که نگارنده در سفر خود به تاریخ مرداد ماه ۱۳۹۰ برخی از آنها را در حال ویرانی مشاهده نمودم و تعدادی هم قبل از سفر ما از بین رفته بودند. گوشه‌هایی از حیات صاحبان قبور در قبرستان یاد شده چنین است:

### ۱. مزار خواجه محمد بن صدیق کججانی

از مزارات مهم که تا حال موجودیت خویش را حفظ کرده و بلکه بر عظمت و بزرگی آستانش صد چندان اضافه شده، مزار خواجه محمد بن صدیق کججانی است که هم اکنون با عنوان «امامزاده سید محمد کججانی» شناخته می‌شود. ایشان به سال ۱۴۶۴ هجری قمری دیده به جهان گشود و نسبش با چهارده واسطه به امام زین العابدین - علیه السلام - می‌رسد. متن نسب نامه بدین قرار است:

«خواجه محمد بن خواجه صدیق بن حاجی محمد بن حاجی سلمان بن حاجی ابیل بن حاجی محمد بن خواجه صدیق الاصغر بن خواجه صدیق الاکبر بن الحسن بن ابی القاسم محمد بن جعفر بن عیسی بن علی بن حسین الاصغر بن الامام زین العابدین علی بن الامام الشهید حسین بن امیرالمومنین علی بن ابی طالب».

وی در جوانی و در حالی که بهره‌ای از علم نداشت، به زارعت اشتغال ورزید و پس از آن تحت تربیت جدش پیر محمد مشهور به «پیر ممد» قرار گرفت و در اثر تلاش‌های وی به اعلا مقامات کشف و شهود نائل آمد. در این راه پیشرفت‌های قابل توجهی به دست آورد، به گونه‌ای که پادشاهان، علما و عرفا به حضورش می‌شتافتند و از محضرش بهره می‌جستند. از جمله آن شخصیت‌ها می‌توان به ارغون خان،<sup>۲</sup> خواجه یوسف حیران دهخوارقانی<sup>۳</sup> و ناصرالدین عبدالله مشهور به «بیضاوی»<sup>۴</sup> اشاره نمود.

شیخ محمود شبستری در سعادتنامه در حق او گوید:

رفت یک روز ابلهی نادان  
گفت ای خواجه هر چه هست منم  
خواجه گفتا که آفتاب گواه  
می‌نخواهد به روشنی ز افواه  
پیش خواجه محمد کججان  
راست بشنو قبول کن سخنم

۱. روضات الجنان، ج ۲، ص ۳۸.

۲. روضه اطهار، ص ۱۳۵.

۳. روضات الجنان، ج ۲، ص ۱۲.

۴. روضه اطهار، ص ۱۳۵؛ روضات الجنان، ج ۱، ص ۳۱۸-۳۱۹؛ منظرالاولیا، ص ۱۶۱.

نور خورشید خود گواه خود است  
بس جواب لطیف روشن داد  
همه الفاظ وی این سان است  
راستی هست معدن دل و جان  
مرد توحید خود نگوید من  
هم تو بشنو که داد را ستد است  
درج آن بزرگ عالی باد  
همچو خورشیدومه درافشان است  
همگی خاک توده کججان  
گر چه باشد چو جرم خور روشن<sup>۱</sup>

خواجه محمدعصار تبریزی هم در مناظر الانشاء در مورد وی گوید:

شیخ کججی خواجه محمد سخنی خوش  
گفتا که چنان راه شریعت سپر ای دوست  
وان گاه چنان راه طریقت سپر و دو  
گفته است اگر مرد رهی آن سخت بس  
کان گشت خطا بر سر حرفت نهد کس  
کان گشت تو حرف دگر را نکند مس<sup>۲</sup>

ملا محمد امین حشری ایشان را متخلص به «کجج» و شاعری صاحب دیوان معرفی می‌کند،<sup>۳</sup> در حالی که شاعر صاحب دیوان، غیاث الدین خواجه شیخ محمد بن خواجه ابراهیم (متوفی ۷۸۸ق) از احفاد برادر خواجه محمد بن صدیق کججانی است.<sup>۴</sup>

خواجه محمد به تاریخ ذی‌حجه الحرام ۶۷۷ق، در ۶۳ سالگی و در زمان سلطنت آباقا خان بن هلاکوخان وفات نمود و در قبرستان کججان به خاک سپرده شد.<sup>۵</sup>

سال احداث بنای اولیه آستان خواجه محمد کججانی معلوم نیست. اما عبدالعلی کارنگ معتقد است که عمارت بقعه مربوط به نیمه اول سده اخیر بوده و مصالح به کار رفته در آن قطعه سنگ‌های حجاری شده قبور بزرگان و مشایخ کججان است.<sup>۶</sup> میرزا جعفر سلطان القرایی که قبل از کارنگ از این بقعه دیدن کرده، در مورد بقعه مذکور می‌نویسد:

«قبر خواجه بزرگ شیخ محمد کججانی به نزدیک دهکده در یک مقبره مخروبه که مدفن جماعتی از اعیان گذشتگان و مشایخ کججان است، زیر قبه محقری واقع است. این بنای محقر روستایی که اکنون بر روی این قبر دیده می‌شود، به جای عمارت سنگینی است که پیش از این در روی آن بوده و قطعات مرمر دور قبر در روی پایه‌های سنگی که چهار جانب محیط قبر و حریم حرم است، از بقایای آثار آن عمارت و نمونه‌ای از زیبایی و متانت آن است. میله‌ای از سنگ سیاه تقریباً به درازای یک متر و نیم که سرپای آن را با جامه سیاه پوشیده‌اند، بر سر قبر نصب [شده] و نام خواجه و پدر و جدش را با این لفظ در پای آن نقر

۱. حواشی و تعلیقات روضات الجنان، ج ۲، ص ۵۳۲-۵۳۳.

۲. همان، ص ۵۳۳.

۳. روضة اطهار، ص ۱۴۷.

۴. دانشمندان آذربایجان، ۲۸۹-۳۰۰؛ سخنوران آذربایجان، ج ۲، ص ۶۲۶.

۵. روضة اطهار، ص ۱۴۷؛ روضات الجنان، ج ۲، ص ۳۸.

۶. آثار باستانی آذربایجان، ج ۱، ص ۵۹۵.

کرده‌اند: الله، هذا روضة الفقير الى الله الكبير، محمد بن الحاج صديق بن محمد. في سنة سبع و سبعين و ستائة<sup>۱</sup>.  
آستان خواجه محمد کججانی از اهمیت و اعتبار خاصی در آذربایجان برخوردار است و توسعه آن از سال ۱۳۷۸ش شروع شده و تا حال ادامه دارد.

\*\*\*

به منظور تجلیل و تکریم از مقام عرفان و عمل بخش‌هایی از کلمات گوهریار ایشان به قلم حسن بن حمزة بن محمد پلاسی شیرازی در رساله‌ای با عنوان «تحفة اهل البدايات و هدية اهل النهايات» تدوین و بعد نجم الدین طارمی در سال ۸۱۱ ق با اشاره شیخ الاسلام مغیثای کججی آن را از عربی به فارسی ترجمه گردانید.<sup>۲</sup> رساله فوق در سال‌های اخیر و تحت عنوان تذکرة خواجه محمد بن صديق کججانی چاپ و منتشر شده است.

## ۲. مزار خواجه ابراهیم کججانی

وی برادر بزرگ خواجه محمد کججانی بود و پس از وفات در قبرستان کججان دفن گردید. ایشان دارای سه پسر به اسامی خواجه احمد شاه، خواجه حاجی و خواجه صديق است. خواجه ابراهیم جد بزرگ مشایخ کججان است.<sup>۳</sup>

## ۳. مزار خواجه احمد شاه

خواجه احمد شاه فرزند خواجه ابراهیم کججانی بوده و وفاتش به تاریخ بیست و دوم ذی الحجة الحرام ۷۲۰ق اتفاق افتاده و در قبرستان کججان کنار قبر عمویش، خواجه محمد کججانی، دفن شده است. سلطان القرایی در توصیف قبر او گوید: «صندوق قبرش شکسته و صورت ضریح فرو ریخته. تنها میله قبرش تقریباً به درازای دو متر که عبارت زیر را در پای آن نقر کرده اند، بر سر خاک اوست: الله، هذه روضة الفقير الى الله الكبير، زين الحاج و الحرمین، احمد شاه بن ابراهیم بن حاجی صديق. توفي فی اثني و عشرين من ذی حجة سنة عشرين سعمائة»<sup>۴</sup>.

## ۴. مزار خواجه صديق

ایشان فرزند خواجه ابراهیم کججانی و برادر زاده خواجه محمد کججانی بوده و در جوار مشایخ کججان دفن شده است. رونوشت مزار وی چنین است: «الله الله، هذه روضة الفقير، صاحب قدم الصدق غلی الحقيقة، و مسدد الشريعة و الطريقة، صديق بن ابراهیم بن الحاج صديق ...»<sup>۵</sup>.

## ۵. مزار خواجه حاجی

۱. حواشی و تعلیقات روضات الجنان، ج ۲، ص ۵۳۲

۲. همان، ص ۵۳۳.

۳. روضات الجنان، ج ۲، ص ۳۹.

۴. همان، ص ۵۳۳؛ آثار باستانی آذربایجان، ج ۱، ص ۵۹۷.

۵. روضات الجنان، ج ۲، ص ۵۳۴.

ایشان فرزند خواجه ابراهیم کججانی بوده و اعقابش به فقر و قناعت اکتفا نموده و به وزارت نپرداختند. از جمله خواجه علی، فرزند خواجه محمد، فرزند خواجه عثمان، فرزند خواجه محمد، فرزند خواجه حاجی کججی که ذکرش در شماره ۶ خواهد آمد.<sup>۱</sup>

#### ۶. مزار خواجه علی

خواجه علی، فرزند خواجه محمد، فرزند خواجه عثمان، فرزند خواجه محمد، فرزند خواجه حاجی کججی است و در جوار مرقد خواجه محمد کججانی مدفون است. سلطان القرایی می‌نویسد: «سنگی بزرگ به اندازه ۲۳۳×۷۴ سانتی‌متر و لوحی در ۶۰×۳۵ سانتی‌متر بر روی قبر اوست، نقش لوح او این است: هذه الروضة المنورة المقدسة للشيخ الكامل الكاشف المدقق، المحتاج الى رحمة الله المنجي، علي بن محمد بن عثمان الكججي، تعمده الله بغفرانه، في اربع ۸۸».<sup>۲</sup>

#### ۷. مزار امیر غیاث‌الدین محمد کججی

امیر غیاث‌الدین محمد کججی، برادر امیر بیگ مهرداد و از نوادگان خواجه ابراهیم کججانی است. وی صاحب علم و معرفت بوده و در عراق وزارت داشت.

کججی، در جمادی الثانی ۸۱۷ ق وفات نمود و در قبرستان کججان دفن شد. لوح مزار او، از شاهکارهای هنر حجاری محسوب می‌شود، سنگ خرازی یک پارچه‌ای است که عبارت «توفی الامیر المرحوم المغفور السعید، نور حدیقة الامارة، غیاث الدولة و الدین، الواصل الی رحمة رب العالمین، الامیر محمد، تعمدة الله بغفرانه، فی جمادی الثانی سنة سبع عشر و ثمانمائة» روی آن حک شده است.<sup>۳</sup>

#### ۸. مزار صدیق بن ابراهیم

سنگ قبر وی هنگام احداث بنای اولیه بقعه خواجه محمد کججانی جزء مصالح به کار رفته در آن بقعه بوده و قسمت خوانای آن بدین قرار است:

«الله الله، هذا روضة الفقير، صاحب قدم الصدق على الحقيقة و مسدد الشريعة و الطريقة، صدیق بن ابراهیم بن الحاج صدیق ...»<sup>۴</sup>

#### ۹. مزار قاضی عمر خراسانی

لوح مزار وی به خط ثلث زیبایی نوشته شده و مضمون آن چنین است: «... دارالسرور عزیز الملة و الدین، قاضی عمر الخراسانی فی ثانی عشر جمادی الاول عام ثمان و سبعین و سبعمائة».<sup>۵</sup>

#### ۱۰. مزار خواجه عوض

۱. همان، ص ۴۰ - ۴۱؛ آثار باستانی آذربایجان، ج ۱، ص ۶۰۴.

۲. روضات الجنان، ج ۲، ص ۵۳۴؛ آثار باستانی آذربایجان، ج ۱، ص ۵۹۷.

۳. روضات الجنان، ج ۲، ص ۵۳۴؛ آثار باستانی آذربایجان، ج ۱، ص ۵۹۸ - ۵۹۹.

۴. همان، ص ۵۹۵.

۵. روضات الجنان، ج ۲، ص ۵۳۵؛ آثار باستانی آذربایجان، ج ۱، ص ۵۹۷.

یادی از مشایخ قبرستان کهن کججان / محمد الوانساز خوبی

کتیبه قبر خواجه عوض که در پای میل سنگی شکسته‌ای نقر گردیده، چنین است:  
«هذا مدفن المرحوم المغفور السعيد، سلالة المشايخ الكبار، المحتاج الى رحمة الله تعالى خواجه عوض  
غفرالله له، توفي في رمضان خمس و اربعين سبعمائة»<sup>۱</sup>

### ۱۱. مزار خواجه ابراهیم

خواجه ابراهیم فرزند خواجه احمد شاه (ذکرش در شماره ۳ گذشت) فرزند خواجه ابراهیم کججانی بسیار  
بزرگ و محترم بوده و با شیخ اسماعیل سیسی معاصر بوده است. مزار او در کنار پدر و عموی پدریش خواجه  
محمد کججانی قرار دارد.<sup>۲</sup> ایشان دارای دو پسر بود:

#### ۱. خواجه شیخ محمد شیخ الاسلام

وی بسیار محترم بوده و دارای آثار خیری در تبریز، بغداد و ... بود. سرانجام به دستور سلطان احمد جلایر  
کشته شد و در جوار مرقد مطهر امام موسی کاظم - علیه السلام - به خاک سپرده شد.<sup>۳</sup>

#### ۲. خواجه شیخ الاسلام

وی در قبرستان کججان دفن شده و بازماندگانش چون خواجه علاءالدین، صدیق، امیر زکریا، امیر محمد  
وزیر و خواجه امیر بیک مهر در طول تاریخ وزارت داشته‌اند.<sup>۴</sup>

\*\*\*

امید است مسئولین دست‌اندرکار با حفظ و نگهداری میراث بر جای مانده از گذشتگان و انتقال آنها به  
مکان امنی مثل موزه اختصاصی سنگ، از تخریب آثار فرهنگی، هنری و ملی ایران اسلامی جلوگیری  
نموده، آنها را سالم به دست آیندگان بسپارند.



نمای بیرونی آستان خواجه محمد کججانی

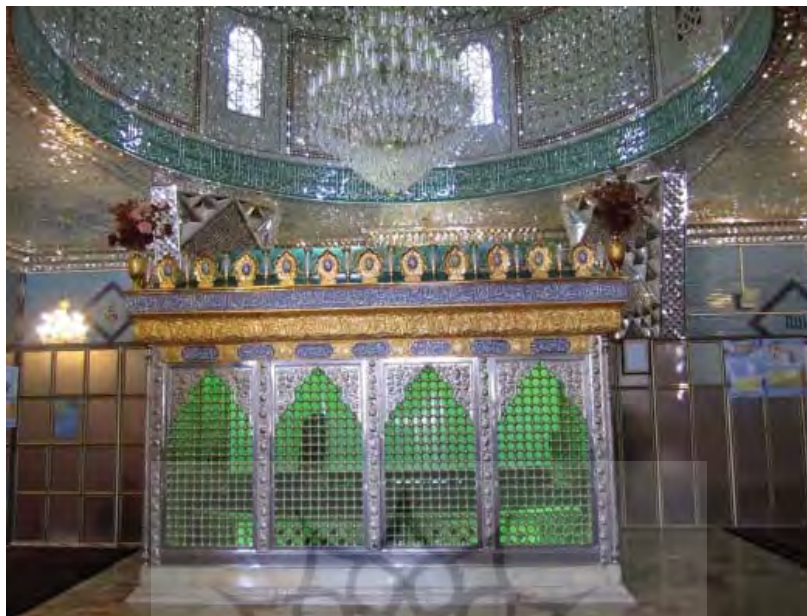
۱. آثار باستانی آذربایجان، ج ۱، ص ۵۹۸

۲. روضات الجنان، ج ۲، ص ۳۹؛ آثار باستانی آذربایجان، ج ۱، ص ۶۰۲

۳. روضات الجنان، ج ۲، ص ۴۱؛ آثار باستانی آذربایجان، ج ۱، ص ۶۰۲-۶۰۳

۴. روضات الجنان، ج ۲، ص ۴۱؛ آثار باستانی آذربایجان، ج ۱، ص ۶۰۴

یادی از مشایخ قبرستان کهن کججان / محمد الوانساز خویی



ضریح خواجه محمد کججانی



مزار یکی از مشایخ که در حال ویرانی است

پیام بهارستان / ۲۰، ۴، ش، ۱۵ / بهار ۱۳۹۱

یادی از مشایخ قبرستان کهن کججان / محمد الوانساز خوبی



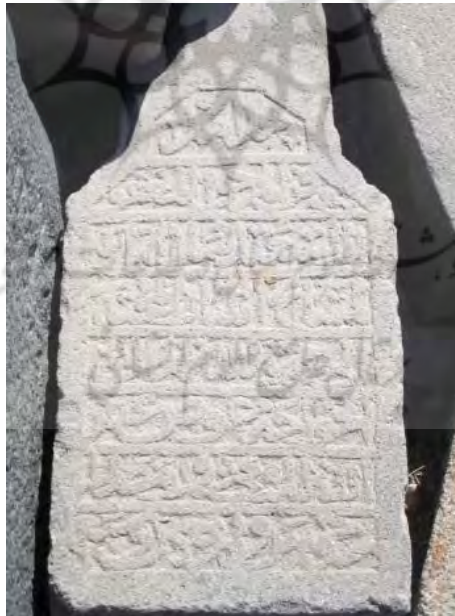
گنبد خواجه محمد کججانی و گوشه‌ای از قبرستان کهن کججان



سنگ قبرهای انباشته شده روی هم در قبرستان کججان



یادی از مشایخ قبرستان کهن کججان / محمد الوانساز خویی



سنگ مزار خواجه عوض

پیام بهارستان / د. ۲، س. ۴، ش. ۱۵ / بهار ۱۳۹۱

یادی از مشایخ قبرستان کهن کججان / محمد الواساز خوبی



نمونه‌ای از سنگ مزارهای کهن قبرستان کججان



سنگ مزار خواجه محمد

یادی از مشایخ قبرستان کهن کججان / محمد الوانساز خویی



سنگ مزار خواجه محمد و میل سنگی در کنار آن



سنگ قوچی شکسته شده

پیام بهارستان / ۲۰، ۴، ش، ۱۵ / بهار ۱۳۹۱

یادی از مشایخ قبرستان کهن کججان / محمد الوانساز خوبی

نمونه‌ای از سنگ مزارهای کهن قبرستان کججان



پیام بهارستان / د، ۴، ش، ۱۵ / بهار ۱۳۹۱

یادی از مشایخ قبرستان کهن کججان / محمد الوانساز خویی



پیام بهارستان / د. ۴، ش. ۱۵ / بهار ۱۳۹۱